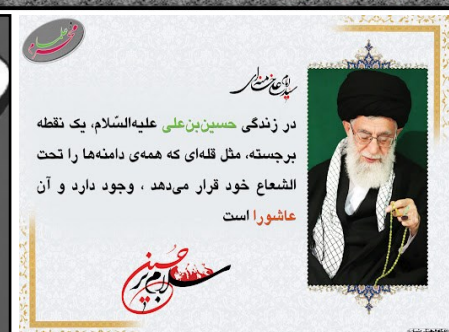




هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ورزشی / استان های فارس، بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد / ۸ صفحه / قیمت ۳۰۰۰ تومان / سال ۱۸ / شماره ۵۳۶ / شنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۰ / ۱۲ محرم ۱۴۴۳ / ۲۱ آگوست ۲۰۲۱

به مناسبت دهه ی امر به معروف و نهی از منکر در قانون اساسی

علی اسدزاده

۵ بیمارستان صحرایی برای کنترل بیماری کرونا در استان فارس راه اندازی می شود

توسل به محبوبان الهی سبب نجات است

محمد بارونی



مصاحبه با علی مسیب زاده، آزاده و جانباز دفاع مقدس به مناسبت ۲۶ مرداد، سالروز بازگشت آزادگان به میهن اسلامی

قسمت اول

سخنگوی وزارت بهداشت مطرح کرد:

افزایش ۵ درصدی بیماران بستری کرونا در هفته اخیر

دکتر سیما سادات لاری در گفت و گو با خبرنگار وبدا درباره آخرین وضعیت بیماری کووید ۱۹ در کشور بیان کرد: در هفته چهارم مرداد ماه تعداد ۲۳۳۵۳۲ بیمار سرپایی مثبت در کشور شناسایی شدند که نسبت به هفته سوم مرداد ماه حدود ۱،۲ درصد افزایش داشته است.

وی ادامه داد: در هفته ای که گذشت میانگین بروز موارد مثبت بستری در کشور حدود ۴۰ نفر به ازای هر صد هزار نفر جمعیت و میانگین بروز موارد مرگ و میر ناشی از بیماری ۴۸،۵ نفر به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت گزارش شده است.

سخنگوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: استان های ایلام، خراسان شمالی، مازندران، چهارمحال و بختیاری و گلستان (در هفته گذشته) به ترتیب دارای بیشترین میزان بروز موارد مثبت بستری در کشور بوده اند.

دکتر لاری ادامه داد: همچنین بیشترین میزان بروز موارد مرگ و میر ناشی از بیماری در کشور به ترتیب در استان های قم، گلستان، گیلان و مازندران گزارش شده است.

معاون وزیر بهداشت اظهار کرد: روند بستری در برخی استان ها نزولی شده و یا در حال عبور از قله بیماری است، ولی در مجموع همچنان شاهد تعداد بالای بیماران بستری در بیمارستان ها و مراکز در مانی کشور هستیم.

منبع: سایت وزارت بهداشت.





۵۰۰ هزار بسته معیشتی توسط هیئات مذهبی استان فارس میان نیازمندان توزیع شد



شده است.

وی با بیان اینکه اجتماع بزرگ هیئات مذهبی شیراز که در سال‌های گذشته در حرم مطهر شاهچراغ (ع) برگزار می‌شد امسال به دلیل شیوع گسترده کرونا برگزار نمی‌شود و برنامه محدودی تنها از سوی حرم مطهر تدارک دیده شده و اجرا می‌شود.

رئیس شورای هیئات مذهبی استان فارس با اشاره به محدود شدن پخت و توزیع نذری در هیئات نیز افزود: هیئات مذهبی استان فارس

به گزارش فاطمه اسدزاده خبرنگار شهر سبز؛ رئیس شورای هیئات مذهبی استان فارس گفت: از سال گذشته تا نیمه امسال بالغ ۵۰۰ هزار بسته معیشتی توسط هیئات مذهبی استان فارس در میان نیازمندان و آسیب‌دیدگان از کرونا توزیع شده است.

رضا محمدیان با اشاره به مصوبه جدید ستاد ملی مقابله با کرونا اظهار داشت: با توجه به اینکه حفظ سلامت مردم اولویت اصلی و خط قرمز هیئات مذهبی نیز هست، براساس مصوبه جدید تغییراتی در برنامه هیئات مذهبی ایجاد

یادداشت مدیر مسئول

به مناسبت دهه‌ی امر به معروف و نهی از منکر

قسمت دوم

امر به معروف و نهی از منکر در قانون اساسی

علی اسدزاده- یادآوری دو نکته‌ی از قسمت اول:

۱- مهم‌ترین معروف‌ها حکومت حق و عدل است و بزرگ‌ترین منکر، حکومت طاغوت می‌باشد

۲- همان طور که با همت و پشتیبانی همه‌جانبه‌ی مردم تحت رهبری ولی‌فقیه، انقلاب اسلامی پیروز شد و حکومت حق و عدل به نام جمهوری اسلامی (نظام مردم‌سالاری دینی) اقامه گشت، حفظ و نگهداری آن هم تا تحقق کامل همه‌ی اهداف مقدس آن، همچنان نیاز به همت و پشتیبانی همه‌جانبه‌ی مردم دارد.

“نظارت عمومی و مسئولیت متقابل همگانی”، نیرومندترین اهرم کنترل‌کننده‌ی قدرت و حفظ نظام؛

نظام جمهوری اسلامی که متکی بر مکتب جامع و کامل اسلام می‌باشد، از این اصل مهم اسلامی نظارت عمومی و مسئولیت‌های متقابل به‌عنوان نیرومندترین اهرم برای کنترل قدرت و حفظ نظام استفاده کرده و در قانون اساسی جمهوری اسلامی آورده است.

اصل اسلامی نظارت عمومی و همه‌ی مسئول هم بودن و وظیفه‌ی همگانی و متقابل دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر که بر عهده‌ی همه‌ی مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، قرار دارد، به نظام آن توانایی را می‌بخشد که به صورت مداوم سطح آگاهی‌های مردم و کارایی و قدرت کنترل داخلی را تا آن حد بالا ببرد که هرگز قدرتی به فساد کشیده نشود و طرز فکر و خواسته‌ی مردم از حدود حق و خیر تجاوز ننماید و راه نفوذی برای منحرفین و قدرت‌طلبان و سودجویان باقی نماند.

این اصل اسلامی نظارت عمومی و مسئولیت‌های متقابل همگانی در اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی مطرح شده است.

اصل هشتم قانون اساسی: در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهده‌ی مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرایط و حدود آن را قانون معین می‌کند.

ادامه دارد



۵ بیمارستان صحرایی برای کنترل بیماری کرونا در استان فارس راهاندازی می‌شود

بیمارستان صحرایی دیگر هم در دست اقدام است.

رحیمی افزود: تلاش می‌کنیم در کنار بیمارستان علی اصغر که کادر متخصص و امکانات خوبی دارد سالن دیگری تهیه و راهاندازی کنیم؛ هرچند که هم اکنون حتی از مسجد بیمارستان هم به عنوان درمانگاه استفاده می‌شود.

وی گفت: با این تعطیلاتی که اعلام شده و با سخت‌گیری که اجرا می‌شود، امیدواریم ورودی بیماران کرونایی کاهش پیدا کند و روند مقابله با بیماری کرونا بهبود یابد.

رحیمی با بیان اینکه تلاش می‌کنیم اقلام ضروری مورد نیاز درمان بیماران کرونایی را تامین کنیم، ادامه داد: پزشکان اعلام می‌کنند که داروهای اصلی مورد نیاز موجود است و در بیمارستان‌ها تجویز می‌شود؛ هرچند با روندی که بیماری طی می‌کند اگر دستورالعمل‌ها رعایت نشود و مردم خودشان همکاری نکنند امکان سرویس‌دهی وجود ندارد.

استاندار فارس با اشاره به اینکه چند بیمارستان پشتیبان برای پذیرش بیماران کرونایی پیش‌بینی شده و سالن‌هایی هم برای بستری بیماران تجهیز شده است، اظهارداشت: سه مورد بیمارستان صحرایی راهاندازی و دو

استاندار فارس با اشاره به اینکه چند بیمارستان پشتیبان برای پذیرش بیماران کرونایی پیش‌بینی شده و سالن‌هایی هم برای بستری بیماران تجهیز شده است، گفت: سه مورد بیمارستان صحرایی راهاندازی و دو بیمارستان صحرایی دیگر هم در دست اقدام است.

به گزارش شهرسبز به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی استانداری فارس، عنایت‌الله رحیمی در بازدید از بیمارستان علی اصغر (ع) با بیان اینکه کادر درمان همه تلاش خود را برای درمان کرونا به کار گرفته است، اظهارداشت: متأسفانه ورودی بیماران کرونایی

به گونه‌ای است که فشار زیادی بر سیستم بهداشتی و درمانی می‌آورد.

وی با اشاره به اینکه هم اکنون ۱۴۰ بیمار بستری دائم، ۱۰۰ بیمار سرپایی و ۲۴ نفر در آی سی یو بیمارستان علی اصغر مستقر هستند، افزود: امیدواریم با تلاش کادر این بیمارستان، بیماران بهبود یابند و تلاش می‌کنیم کمبودهایی مانند حقوق کادر درمان به ویژه در بیمارستان‌های عفونی که عمده زحمت بر دوش آنها است، برطرف شود.



اخبار شهرداری کازرون

در راستای هم اندیشی و هماهنگی امور صورت گرفت؛

جلسه سرپرست شهرداری کازرون با واحدهای مختلف شهرداری

به گزارش روابط عمومی شهرداری کازرون در طول هفته گذشته جلسه سرپرست شهرداری با مسئولان دواير مختلف در دفتر شهردار برگزار شد

مهندس رضا نودری هدف از برگزاری این جلسات را هماهنگی بیشتر واحدها با هم و تلاش بیشتر مجموعه شهرداری در راستای توسعه و عمران شهر عنوان کرد و گفت: با توجه به گسترش شیوع کرونا و شرایط اقتصادی، نباید در مسئولیت خود نسبت به مردم کوتاهی کنیم.

در ادامه اقدامات شهرداری در ماه محرم؛

فعالیت تیمهای خدمات شهری شهرداری در روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی



بازدید سرپرست شهرداری کازرون از نقاط حادثه خیز سیلاب

شناسایی نقاط حادثه خیز سیلاب شهر در دستور کار شهرداری

به دستور سرپرست شهرداری کازرون کارگروه شناسایی نقاط حادثه خیز سیلاب شهر تشکیل شد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری کازرون سرپرست شهرداری کازرون روز گذشته طی بازدیدی از نقاط حادثه خیز شهر که امکان جاری شدن سیل یا تشکیل سیلاب از آنها وجود دارد، بازدید کرد.

مهندس رضا نودری و مسئولان شهرداری با هدف شناسایی دقیق تر نقاط حادثه خیز شهر در بحث سیل و بررسی راهکارهای عملی کاهش آسیبهای سیلاب و بارندگی از این نقاط بازدید کردند.

وی در حاشیه این بازدید بر شناسایی نقاط حادثه خیز تاکید کرد و گفت: قبل از وقوع بارندگی و سیلاب، مکان هایی که امکان وقوع سیل در آنها وجود دارد و نقاطی که سبب بروز سیلاب در پایین دست می شود، توسط یک کارگروه شناسایی و سپس جهت کاهش آسیبهای ناشی از وقوع سیل تمهیدات لازم اندیشیده شود.

تپه های مشرف به بلوار شهیدان گل های داودی، خیابان مطهری شمالی، تپه مشرف به خیابان شهید دلپسند و خیابانهای حافظ و کارگر شمالی از جمله مکان هایی بودند که مورد بازدید قرار گرفت.

تیمهای خدمات شهری شهرداری کازرون در روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی شهرداری کازرون در راستای تنظیف شهر و ارائه خدمات به شهروندان و هیئتهای عزاداری اقدامات متعددی انجام دادند.

به گزارش روابط عمومی شهرداری کازرون مهندس رضا نودری شهردار کازرون در تشریح این اقدامات اظهار کرد: در طول دهه اول محرم و به ویژه در روزهای تاسوعا و عاشورا پاکبانان شهرداری در قالب تیمهای خدمات شهری، به طور مستمر و شبانه روزی کار تنظیف شهر را در دستور کار داشتند.

وی همچنین آماده سازی شهر و همکاری با موبکها و هیئتهای عزاداری را از دیگر اقدامات شهرداری در این روزها به ویژه در روز تاسوعا و عاشورا عنوان کرد.

به گفته او، با توجه به حضور مردم بر سر قبور شهدا در روزهای تاسوعا و عاشورا، تنظیف و شستشوی قبور شهدا در این دو روز انجام شد.

وی در بخشی دیگر از سخنان خود نقش پررنگ شهرداری در سیاه پوش کردن شهر را یادآوری کرد و گفت: امسال با توجه به شیوع ویروس کرونا شهرداری فضای شهر را متناسب با این ایام به شکل ویژه تری سیاهپوش کرد.

گفتنی است شهرداری کازرون امسال با توجه به شرایط پیک پنجم کرونا و شیوع آن اقدامات ویژه ای از جمله به اهتزاز درآوردن پرچم یا حسین در ارتفاع ۴۰ متری، نصب بنر و پرچم های عزاداری، سیاهپوش کردن میادین و بلوارهای سطح شهر، واگذاری تابلوها و برخی معابر شهری به ادارات و هیئت های مذهبی و مساجد، مشارکت با برخی از هیئتهای عزاداری و مساجد، تولید و پخش سرود مناسبی و پخش پوستر و کلیپهای مناسبی در فضای مجازی را برنامه ریزی و اجرا کرد.





مسوولین شهر، شبکه بهداشت و بیمارستان تشکیل و طی آن مصوب شد:

باتوجه به کمبود پزشک عمومی و پزشک داخلی، کمبدها از سوی رئیس شبکه بهداشت و درمان کازرون مرتفع گردد.

تا پایان ایام پیک کرونا خصوصا در روزهای تعطیل، افزایش پزشک کمکی برای بیمارستان صورت بگیرد.

برگزاری ستاد کرونا با حضور تمام ظرفیت‌های پشتیبانی در شهرستان با دو هدف: ۱- دعوت از پزشکان عمومی در شهر. ۲- آماده کردن یک مرکز مجاور بیمارستان ولی‌عصر (عج) جهت خدمت رسانی به بیماران کرونایی (حتی به صورت استندبای جهت جلوگیری از بحران و مدیریت پیک کرونا).

بازدید سرزده امام جمعه کازرون از بخش‌های مختلف بیمارستان و بررسی مشکلات آن در ایام کرونایی

به گزارش شهرسبز به نقل از روابط عمومی دفتر امام جمعه کازرون، حجت الاسلام محمد صباحی امام جمعه کازرون با همراهی مسوول دفتر نماینده مردم کازرون و کوه‌چنار در مجلس شورای اسلامی، از بیمارستان ولی‌عصر (عج) کازرون بازدید کرد.

طی این بازدید که از بخش‌های ویژه کرونایی، اورژانس، داخلی و... صورت گرفت، ضمن بررسی مشکلات و کمبودهای بیمارستان، با مردم، پرسنل و پزشکان پیرامون دغدغه‌های موجود گفتگو شد. سپس جلسه‌ای با حضور امام جمعه و جمعی از



توسل به محبوبان الهی سبب نجات است

محمد بارونی



مرگ بودم پس در آن حال خود را در محله یهودی‌ها دیدم و از بوی گند هراس منظره، سخت ناراحت شدم و دانستم بعد از مرگ جزء آنها خواهم بود.

پس به پروردگار خود نالیدم و در آن حال ندائی شنیدم که اینجا محل ترک کنندگان حج است؛

گفتم: پس نتیجه توسلات و خدمات من نسبت به حضرت سیدالشهدا چه می‌شود؟ که ناگاه آن منظره هول‌انگیز، به منظره‌ای زیبا و فرح بخش مبدل شد و به من گفتند تمام خدمات تو پذیرفته شده است و به شفاعت آن حضرت ده سال بر عمر تو افزوده شد و مرگ تو به تأخیر افتاد تا حج واجب را به جا آوری.

مرحوم ایزدی نقل فرمود که ده سال بعد پیش از محرم ۱۳۴۰ مرض مختصری به پدرم عارض شد و گفت شب اول ماه موعود مرگ من است، همانطور که گفته بود در شب اول محرم هنگام سحر از دار دنیا رحلت فرمود.

آری، ایمه معصومین علیهم السلام و شهدای کربلا همه دروازه‌های اجابت دعا هستند و می‌شود با توسل به اولیای الهی و تقرب به بارگاه الهی حاجت‌های خود را از او گرفت.

لذا باید همواره و به خصوص در این ایام که شور و شعور حسینی همه جا را فرا گرفته است، به محبوبان و مقربان درگاه کبریایی توسل بجوییم و آنان را واسطه خیر و خوبی‌ها قرار دهیم و از خداوند مهربان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سلامتی و سربلندی خدمتگزاران به اسلام و مسلمین، دفع شر و زبونی دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی، رفع گرفتاری همه انسان‌ها از بیماری، فراگیر کرونا و ... طلب نماییم.

التماس دعا

ناگهان دیدم پدرمان از جایش بلند شد و من و برادرم را صدا کرد. به نزدش رفتیم، بسیار عرق کرده بود و به ما گفت: آسوده باشید و بدانید که من نمی‌میرم و از این مرض نجات پیدا کردم. ما حیران شدیم، سپس صبح شد درحالی هیچ اثری از مریضی در او نبود و بسترش را جمع کرده و او را به حمام بردیم و این قضیه در شب اول محرم سنه ۱۳۳۰ قمری اتفاق افتاد و حیا مانع شد از او بپرسیم سبب خوب شدن و نمردنش چه بود.

موسم حج نزدیک شد، پس در تصفیه حساب و اصلاح کارهایش سعی کرد و مقدمات و لوازم سفر حج را تدارک دید، تا اینکه با نخستین قافله حرکت کرد و ما تا یک فرسخی شیراز در باغ جنت به بدرقه اش رفتیم و شب را با او بودیم.

ابتدا گفت: از من نپرسیدید که چرا نمردم و خوب شدم. اینک به شما می‌گویم، آن شب، مرگ من رسیده بود و من درحالت سکران

می‌انداخت و مقدار زیادی نان و آبگوشت می‌آورد، هرکس مایل بود همانجا می‌خورد و هرکس می‌خواست همراه خود به خانه اش می‌برد.

فرزند آن مرحوم می‌گوید: پدرم سخت بیمار شد به ما امر نمود که او را به مسجد ببریم. گفتیم برای شما خوب نیست چرا که تجار و اشراف به عیادت شما می‌آیند و در مسجد مناسب نیست.

گفت می‌خواهم در خانه خدا بمیرم، ناچار او را به در مسجد بردیم تا اینکه شبی مرضش شدید شد و در حال اغما بود که او را به منزل برگردانیدیم و آن شب در حال سکران مرگ بود و ما به مردنش یقین کردیم.

پس در گوشه‌ای از حجره نشسته و گریان بودیم و سرگرم مذاکره جهت تجهیز و محل دفن و مراسم ترحیم. این مذاکرات تا سحر به طول کشید.



خداوند متعال در آیه ۳۵ سوره مائده اهل ایمان را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: ای اهل ایمان! از خدا بترسید و (به وسیله ایمان و پیروی از اولیای حق) به او توسل بجویید و در راه خدا جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

توسل در لغت به معنای وسیله جویی، و حاجت خواستن از خداوند و واسطه قراردادن پیامبران، امامان و صالحان در بارگاه الهی می‌باشد.

در فرازی از زیارت عاشورا نیز می‌خوانیم اَللّهُمَّ اجْعَلْنِي عَنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ - خدایا مرا به وسیله حسین علیه السلام نزد خودت آبرومند در دنیا و آخرت قرار بده.

آری، معصومین علیهم السلام و اولیای الهی به خاطر عزت و منزلتی که نزد خداوند متعال دارند، از حق شفاعت برخوردار می‌باشند و افرادی که با وسیله قرار دادن آنان نزد خداوند بزرگ، حاجت خود را از پروردگار عالم می‌طلبند، امید بیشتری برای استجاب دعا دارند.

این توسل‌ها می‌تواند به صورت زیارت، خواندن دعا، شرکت در مراسم مذهبی، گریه و انابه و یا بیزاری از دشمنان حق و حقیقت فراهم شود.

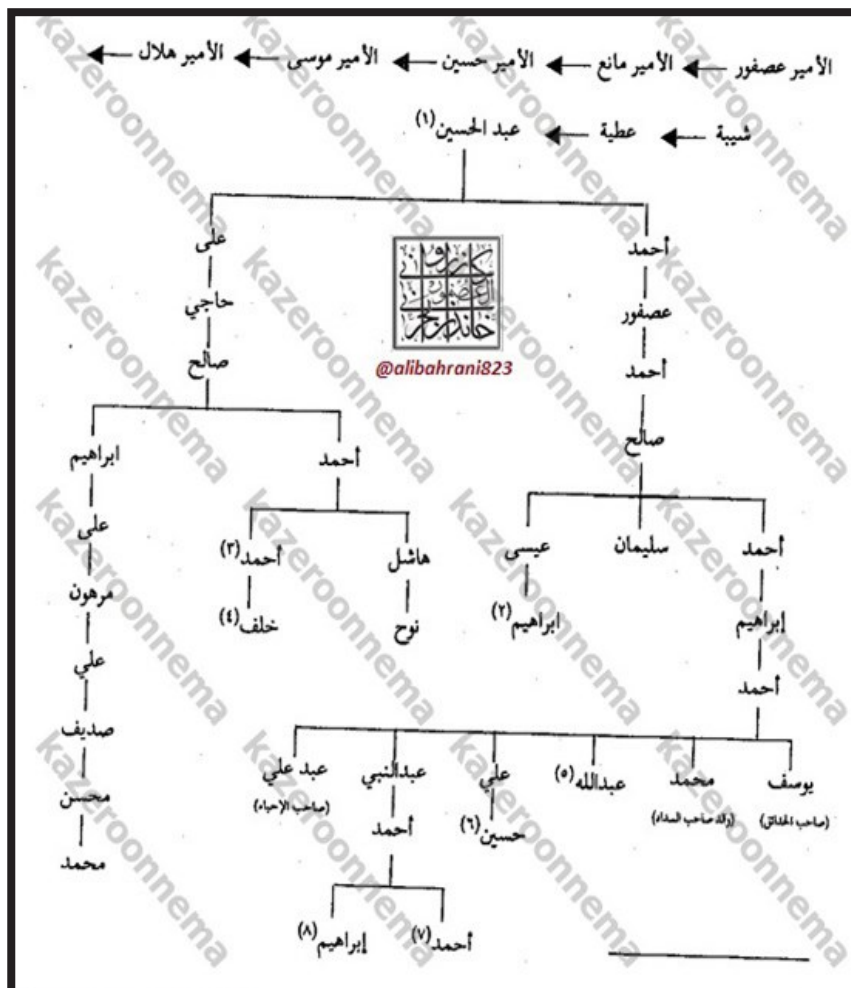
در کتاب داستان‌های شگفت که توسط شهید آیت الله سید عبدالحسین دستغیب جمع آوری شده است، داستانی به شرح زیر نقل شده است:

مرحوم حاج میرزا علی ایزدی، فرزند حاج محمدرحیم، مشهور به آبگوشی بود. سبب شهرت آن مرحوم به این لقب، این بود که ایشان اخلاص و ارادت زیادی به حضرت سیدالشهدا علیه السلام داشت و خواندن زیارت عاشورایش ترک نمی‌شد. هر شب در مسجد گنج که به خانه اش متصل بود پس از نماز جماعت یک یا دو نفر روضه می‌خواندند و او پس از روضه خوانی سفره

بحرین: خاستگاه خاندان بحرانی آل عصفور کازرون

علی بحرانی

لواحق هشتم



پایه گذاری کرد که عصفوری به نامیده شدند. عمده شهرت این خاندان به واسطه علمای برجسته ای است که از میان آنها برخاسته و چهره های شاخصی از آنها از عهد صفویه تا قاجاریه، با مهاجرت به نواحی جنوبی ایران، منشاء اثرات مذهبی، فرهنگی و اجتماعی بسیاری شده اند.

با آغاز قرن هفتم ه. ق حکومت قدرتمندی که زمام امور بحرین و یمامه را در اختیار داشت، افرادی از قبیل عامر بن عقیل بودند که عیونی خوانده می شدند. همزمان با ضعف حکومت عیونی در تامین امنیت و ثبات منطقه احساء، بزرگان و شخصیت های پرنفوذ این ناحیه با همکاری یکدیگر امیر عیونی را عزل و امارت این ناحیه را به پیشوای دینی بنی عامر یعنی عصفور بن راشد و گذار کردند. بر طبق برخی منابع همچون العقد الزاهرفی ترجمه الشیخ باقر نوشته محمود طراوه و موسوعه التاریخ الخلیج [فارس] نوشته محمود شاکر، شیخ عصفور بن راشد حکومت منطقه الاحساء را در سال ششصد و بیست ه. ق به دست گرفت و سپس در سال ششصد و سی و شش ه. ق به تدریج دامنه نفوذش به بحرین نیز کشیده شد. نزدیک به دو قرن

۲۳ مردادماه ۱۴۰۰ خورشیدی، مصادف با پنجاهمین سالگرد انفصال بحرین از ایران بود. مجمع الجزایری که به دلیل حاکمیت تاریخی ایران از دوره هخامنشیان - و حتی به استناد متون تاریخی از پیش از آن دوره - در دوره پهلوی استان چهاردهم ایران نامیده می شد.

سرزمین بحرین خاستگاه اصلی خاندان بحرانی آل عصفور کازرون است که با مهاجرت شیخ محمد بحرانی یکی از علمای این خاندان در نیمه دوم قرن یازدهم هجری و در عهد شاه عباس دوم صفوی به این شهر، حیات مذهبی، فرهنگی و اجتماعی آن ها طی چهار قرن بعد در کازرون آغاز گردید و رقم خورد.

خاندان آل عصفور یکی از خاندان های مهم و برجسته ی شیعی در کرانه های جنوبی خلیج فارس به ویژه در مناطق بحرین، قطیف و اتابکان فارس باز می گردد و افرادی از این خاندان از نیمه دوم سده هفتم هجری، نزدیک به دو قرن حکومت بحرین را در اختیار داشته اند. اما تاریخ خاندان آل عصفور به روزگار پیش از قرن هفتم ه. ق بر می گردد؛ در آن زمان شخصی به نام عصفور، خاندانی



افتخار آفرینی بانوی کازرونی مسلم دین پژوه

به گزارش اختصاصی سرویس ورزشی کازرون نما؛ مسابقات مچ اندازی آسیا جمعه ۲۹ مرداد ماه در شهر آلماتی قزاقستان آغاز شد.

در اولین روز این مسابقات رویا مهبودی بانوی کازرونی اهل منطقه جروق در وزن ۸۰+ کیلوگرم در مسابقات دست راست مدال برنز گرفت و در مسابقات دست چپ مدال نقره گرفت.

رویا مهبودی بانوی کازرونی در چند سال اخیر همواره یکی از قهرمانان رشته مچ اندازی کشور بوده است.



حاکمیت این نواحی در اختیار امرای عصفوری بود و آنها روابط استوار و پیوندهای سیاسی مستحکمی با حکومت های اطراف خود برقرار کردند و با سلطریان فارس، ممالیک مصر، مغولان عراق و ایران، خاندان طیبی فارس و جزیره کیش و همچنین ملوک هرمز روابط سیاسی و اقتصادی داشتند. اما در برخی منابع هم شروع حاکمیت خاندان آل عصفور سال ۶۵۴ ق ذکر شده؛ آنچنان که در فارسنامه ناصری [۱] و کتاب تحریر تاریخ و صاف [۲] آمده است: در سال ۶۵۴ حکومت آنجا را به عصفور بن راشد بن عمیر و مانع بن علی بن ماجد بن عمیر مقرر داشت و سال ها متوجهات آن به خزانه عامره فارس می رسید.

در طول این دوران امیر عصفور بن راشد، امیر مانع بن علی، امیر حسین بن مانع، امیر موسی بن حسین و امیر هلال بن موسی از این خاندان بر بحرین حکومت کردند.

[۱]. حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۲۷۶). فارسنامه ناصری، تصحیح: منصور رستگار فسائی (۱۳۷۸)، تهران: امیرکبیر.

[۲]. آیتی، عبدالمحمد (۱۳۴۶). تحریر تاریخ و صاف، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

قاسم صرافان



ساربان غریب می‌خواهی این همه مست را کجا ببری؟

تشنه آورده‌ای که آب دهی، یا به سرچشمه‌ی بقا ببری؟

کعبه‌ی حاج و واج را دیروز، در معمای خود رها کردی

یک قبیله ذبیح آوردی غرق خون تا دل از مِنا ببری

کاش می‌شد که بی‌صدا ... اما تو سرا پا خروش و فریادی

خبر داغ عشق آوردی، نه نمی‌شد که بی صدا ببری

و ستونهای آسمان لرزید لحظه‌ای که قرار شد دل را

از قد و قامت علی بُری، صاف و یکدست تا خدا ببری

سر و انگشت و پیرهن یک سو، سجده بر خاک کرده تن یک سو

خواستی این چهار رکعت را پیش لایلا جدا جدا ببری

قصه را مادری جوان دیروز در کمرگاه کوچه کرد آغاز

به گلوگاه نی رسیدی تا قصه را تو به انتها ببری

لطف قرآن به طرز خواندن توست، «والضحی «چشمهای روشن توست

و «اذا الشَّمْسُ کُوِّرَتْ «تنِ توست که در آغوش بوریا ببری

بیت آخر میان خواهش و اشک می‌رسد بی‌قرار و می‌داند

در پی یک بهانه می‌گردد، تشنه‌ای را به کربلا ببری

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۱۰۰۲۰۰۰۴۰۱ مورخ ۰۹ / ۰۴ / ۱۴۰۰ و رأی اصلاحی شماره ۱۴۰۰۴۷۶/۰۵/۰۹ مورخ ۰۹/۰۵/۱۴۰۰ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کازرون تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای صدراله جمشیدی فرزند عوض بشماره شناسنامه ۱۷ صادره از کازرون در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۴۰۰/۱۷/۴۵ مترمربع پلاک ۴۸ فرعی از ۴۳ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲ فرعی از ۴۳ اصلی قطعه ۷ واقع در بخش ۷ فارس کازرون خریداری از مالک رسمی قدرالحصه خود محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود و در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت حصادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۲ / ۵ / ۱۴۰۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۳۰ / ۵ / ۱۴۰۰

داود انصاری

رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۱۲۰۰۰۳۹۷ مورخ ۰۹/۰۴/۱۴۰۰ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کازرون تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم اختر طیبی صدرابادی فرزند حسن بشماره شناسنامه ۱ صادره از کازرون در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۸۱۱/۳۰ مترمربع پلاک ۴۶۸ فرعی از ۸۸۳ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۸۳ اصلی قطعه ۲ واقع در بخش ۷ فارس کازرون خریداری از مالک رسمی سهم الحصه متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود و در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت حصادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۲ / ۵ / ۱۴۰۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۳۰ / ۵ / ۱۴۰۰

داود انصاری

رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۱۰۰۲۰۰۰۳۸۸ مورخ ۰۶/۰۴/۱۴۰۰ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کازرون تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمدصادق رحمانی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۲۹۴۵۴ صادره از کازرون در شش‌دانگ یک باب دامداری به مساحت ۹۶۰ مترمربع پلاک ۶۲۰ فرعی از ۲۱۱ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۱۱ اصلی قطعه ۴ واقع در بخش ۷ فارس کازرون خریداری از مالک رسمی آقای (منوچهر امیرعضدی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود و در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت حصادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۲ / ۵ / ۱۴۰۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۳۰ / ۵ / ۱۴۰۰

داود انصاری

رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۱۰۰۲۰۰۰۳۹۹ مورخ ۰۹/۰۴/۱۴۰۰ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کازرون تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم اختر طیبی صدرابادی فرزند حسن بشماره شناسنامه ۱ صادره از کازرون در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۹۵۷/۲۳ مترمربع پلاک ۴۶۹ فرعی از ۸۸۳ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۸۳ اصلی قطعه ۲ واقع در بخش ۷ فارس کازرون خریداری از مالک رسمی (قدرالحصه متقاضی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود و در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت حصادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۲ / ۵ / ۱۴۰۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۳۰ / ۵ / ۱۴۰۰

داود انصاری

رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۱۰۰۲۰۰۰۴۶۷ مورخ ۰۶/۰۵/۱۴۰۰ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کازرون تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای وحید علیزاده فرزند سهراب بشماره شناسنامه ۵ صادره از کازرون در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۰۰/۰۰ مترمربع پلاک ۲۴ فرعی از ۷۴ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۷۴ اصلی قطعه ۳ واقع در بخش ۷ فارس کازرون خریداری از مالک رسمی (سهم الحصه متقاضی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود و در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت حصادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۲ / ۵ / ۱۴۰۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۳۰ / ۵ / ۱۴۰۰

داود انصاری

رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۱۰۰۲۰۰۰۳۹۰ مورخ ۰۶/۰۴/۱۴۰۰ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کازرون تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین مزارعی فرزند کاظم بشماره شناسنامه ۰ صادره از کازرون در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۱۶۱/۶۶ مترمربع پلاک ۴۶۷ فرعی از ۸۸۳ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۸۳ اصلی قطعه ۲ واقع در بخش ۷ فارس کازرون خریداری از مالک رسمی خانم (اختر طیبی صدر آبادی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود و در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت حصادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۲ / ۵ / ۱۴۰۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۳۰ / ۵ / ۱۴۰۰

داود انصاری

رئیس ثبت اسناد و املاک

مروری بر زندگانی و تحصیلات مرحوم شیخ محمدجعفر افقهی

می آمد.

برای آموختن مطالب جدید چگونه به مطالعه می پرداختید؟

کتاب های متعددی داشتم لذا مطالب و اخبار و احادیث از روی کتاب توسط دوستانم مانند محمدحسن ذاکر و نیز توسط برادرم قرائت می شد و من با گوش دادن به حافظه می سپردم. پای منابر بزرگان هم می نشستم بعدها هم که فرزندانم بزرگ شدند در خواندن کتاب به من کمک می کردند.

گاهی اتفاق افتاده که هنگام وعظ و خطابه، تیق بزنی و مطلب را فراموش کرده باشی؟

اصلا اتفاق نیفتاده است من هم مانند سایر خطبا و وعاظ قبل از منبر مطالب و موضوعات مورد بحث را در ذهن خود مرور و تدوین و آماده می کنم. لذا با آمادگی کامل به منبر می رفتم. در سال ۱۳۶۵ ایام رمضان برای سخنرانی در مجلس ختم یکی از اعیان شهر در مسجد ابوالفتح بازار از من دعوت به عمل آورده بودند در آن مجلس برخی مسؤولان شهر مثل فرماندار هم حضور داشتند بعد از اتمام سخنرانی، آقای فرماندار گفت: هر چه دقت کردم یک کلمه یا جمله ای غلط در مطالب تان بیابم توانستم و همه نکات را صحیح بیان می کردی «لذا در همان مجلس پنج تومان (که برای آن سال ها مبلغ زیادی بود) به من هدیه داد. من حتی حدیث کساء را بدون تیق زدن می خواندم.

به نظر می آید در گذشته روضه های خانگی از رونق بیشتری برخوردار بود؟

همین طور بود، در گذشته علاوه بر ایام محرم و صفر و فاطمیه سایر ایام سال به ویژه شب ها و صبح های جمعه روضه و دعا و خواندن حدیث کاء در منازل مرسوم بود.

کدام روضه شما را بیشتر تحت تاثیر قرار می داده است؟

روضه در مصیبت حضور سر مبارک حضرت اباعبدالله در منزل خولی.

منبع: هفته نامه سلمان، ۱۹ آذر ۱۳۹۲، ش ۶۲۱، ص ۷؛ تهیه و تدوین: علی اکبر فرشته حکمت، سینا پیروی.

ایجد به کار می رفت و نیز به اشعار معماگونه علاقه زیادی داشته و ابیات زیادی را حفظ می کردم. البته شعر و ادبیات در محاورات و مباحثات تداعی و ماندگاری می یابد لذا برخی طلاب از حوزه های شیراز و کازرون برای کسب شعر و معما به من مراجعه می کنند.

چطور شد به سمت منبر و خطابه روی آوردید؟

در سن ۱۴ سالگی مرحوم برادرم که حدود ده سال از من بزرگتر بود و در کسوت معلمی به تدریس اشتغال داشت مرا به حوزه علمیه کازرون پای درس آیت ... حاج شیخ عبدالکریم مختاری برد لذا علم صرف و نحو را نزد ایشان آموختم اما قانع نشده و دروس بالاتر را مثل سیوطی و مغنی و مقداری فقه را نزد آقا سید محمد طبیبی آموختم ضمن این که ایشان طبابت هم می کردند بعد از آن خدمت مرحوم سید عبدالنبی نمازی (جعفری صادقی) تلمذ کردم البته ایشان دفتر ثبت ازدواج هم داشت. شب ها بعد از نماز مغرب و عشا نزد آیت ... حاج شیخ لطف ... توکلی منطق و فلسفه می آموختم. یعنی از صبح علی الطلوع تا شب بدون وقفه به دنبال کسب علم بودم و چون استیدم هر کدام مشغول شغل و حرفه ای خاص بودند مجبور می شدم ساعات معینی نزد آنها بروم و محدودیت زمانی داشتم لذا صبح ها تا طلوع آفتاب نزد حاج سید محمد طبیبی تلمذ کرده و سپس نزد آیت ... مختاری می رفتم و درس می خواندم ظهر به مدرسه علمیه باز می گشتم و پس از استراحت با طلاب به مباحثه می پرداختم عصرها نزد مرحوم نمازی و بعد از نماز مغرب و عشا هم که خدمت مرحوم توکلی می رسیدم و درس می خواندم. جابجا شدن در کوچه پس کوچه های قدیم کازرون با چشمانی نابینا و عبور از موانع مختلف و چاله چوله های زیاد، کاری بس دشوار بود اما به جهت شوق و علاقه به کسب دین و دانش و معرفت با گرفتن دیوار معابر، طی مسیر می کردم! در ادامه فقه را نزد استادی به نام حاج غلامحسین انصاری که از برازجان آمده بود تکمیل کردم.

منبر و خطابه را از چه زمانی آغاز کردی؟

در همان دوران طلبگی گهگاهی منبر می رفتم اما سال ۱۳۶۳ در سن بیست سالگی معروف شدم و برای مراسم مختلف از من دعوت به عمل



از سن هفت سالگی به آموزش قرآن و دعا و شعر پرداختم و برای یادگیری نزد مرحوم فاضل و دختر فاضله اش می رفتم و تلمذ می کردم به این صورت که آنها ضمن قرائت قرآن و دعا، من همه را حفظ می شدم و در مناسبت های مختلف مثل محرم و صفر و اعیاد و یا در مدح و تمجید بزرگان و یا در مصادیق صفات نیکو اشعاری می سرودند و من با گوش دادن در همان وهله اول همه مطالب و اشعار و نکات را حفظ می کردم.

پس معلوم است اشعار زیادی حفظ دارید؟

بله از سن ده دوازده سالگی اشتیاق زیادی به حفظ کردن اشعار و نکات ادبی داشتم در محله گنبد جنب مسجد دشتک آدم با سواد و فرهیخته و باذوقی به نام کربلایی ابوالقاسم صرافان ساکن بود که در همان جا به کسب و کار اشتغال داشت آن مرحوم از شعرا و مفاخر بنام، کتب فراوانی داشت و علاوه بر سواد قرآنی و دینی به قرائت اشعار عربی و فارسی از شاعران معروف هم می پرداخت. از همان کودکی نزد ایشان رفته و برایم شعر فارسی و عربی قرائت می کرد و من هم فقط با یک بار گوش دادن همه را حفظ می کردم. بعدها به تدریج با گوش دادن به قرائت شعر توسط افراد مختلف، اشعار فراوانی حفظ کردم به طوری که اکنون ده ها هزار بیت از سروده های شاعران معروف در خصوص موضوعات و مفاهیم مختلف به عربی و فارسی در حافظه دارم و در منابر متناسب با هر موضوعی از آن اشعار استفاده می کردم. در مدرسه علمیه هم با طلاب به مشاعره می پرداختم که همیشه من غالب می شدم به طوری که معمولاً آنها کم می آوردند و متوسل به کتاب و روخوانی می شدند! گاهی چند ساعت علی الدوام مشاعره می کردیم. اساساً به شعر علاقه خاصی داشته ام اشعاری که در آن حروف

شدن درمیان گروه های سیاسی منطقه ای و مطرح شدن در مجامع جهانی باید تلاش کرد وقوی شد و بهترین گزینه برای قوی شدن اتخاذ مشی سیاسی و جبهه گیری در مسائل منطقه ای و نشان دادن قدرت به حریفان است تا روی آن ها حساب ویژه ای با زشود . اما خیلی زود دریافتند که ورود به فاز سیاسی بدون پشتوانه قدرت ، آن هم قدرت نظامی مشکلی حل نمی کند بنا بر این درجلسات سری خود تصمیم گرفتند که درکنار آموزش های علوم دینی و مسائل سیاسی گزینه مهم (آموزش نظامی) و آشنا کردن طلاب با انواع سلاح های پیشرفته ومدرن روز هم در دستور کار قرار دهند . واز اینجا بود که برای تکمیل پروژه خود با صلاح دید سعودی ها از افسران کارکشته و مجرب سازمان ام آی ایکس انگلیس استفاده کردند و طلاب را وادار به گذراندن دوره های آموزش نظامی کردند و ظرف چند سال اردوگاههای بزرگی در نزدیکی مرز با افغانستان تشکیل شد و لشکری



هفتم خرداد ۱۳۲۲ شمسی در کوی گنبد شهر کازرون نوزادی متولد گردید که پدر باسوادش مرحوم محمدرضا نام او را جعفر گذاشت. فقر بهداشتی و درمانی که در آن دوران دامن گیر عموم مردم شهر و کشور بود باعث می گردید گاهاً یکی از امراض میکروبی و ویروسی که معمولاً علل و اسباب بیماری و درمانش ناشناخته بود گریبان مردم را بگیرد، بالطبع هجوم بیماری های واگیر و عالم گیر (اپیدمی)، به نوزادان و کودکان آسیب جدی تری وارد می کرد لذا جعفر افقهی که طفل شش ماهه ای بود هم چون اغلب نوزادان زمان خود دچار یکی از همان بیماری های اپیدمی گردید و به جهت شدت و حدت بیماری، دیدگان خود را از دست داد اما از آن جا که خدای مهربان برای بندگانش تقدیر و سرنوشت و عاقبت بدی رقم نمی زند نقص ایجاد شده در بدن این نوزاد چند ماهه با درایت و بصیرت خانواده به ویژه تلاش برادر فرهیخته اش مرحوم محمدتقی افقهی باعث گردید آقاجعفر افقهی به عالمی دانا و ذاکری دل سوخته توصیف کننده مناقب اهل بیت عصمت و طهارت و واعظی روشن دل و روشن ضمیر تکامل یابد که کلامش لاجرم بر دل ها نشیند و اثر گذارد و موجب هدایت و چراغ راه انسان ها گردد.

- شیخ جعفر افقهی از وعاظ مشهور شهر کازرون که آوازه کلام و اخلاصش موجب می گردید در دهه های چهل و پنجاه یکی از خطبای اصلی منابر باشد و در مراسم روضه و سوگواری های محرم و صفر و فاطمیه و نیز ایام مبارک رمضان و اعیاد و سایر مراسم مذهبی از ایشان دعوت به عمل می آوردند. به همین جهت حق بزرگی بر اهالی شهر و شهرستان کازرون دارند و لذا در راستای وظایف ذاتی جراید محلی، بر آن شدیم تا از این عالم فرهیخته روشن دل یادی و ذکری کرده باشیم. به همین منظور در یک صبح زیبای پاییزی در منزل، خدمت جناب افقهی رسیدیم و ایشان هم با وسعت نظر و رویی گشاده ما را به حضور پذیرفتند و با حوصله به سؤالات ما پاسخ فرمودند که ماحصل این گفتگو به شرح زیر می باشد:

حاج آقا، لطفا از دوران کودکی خود، تعریف کنید؟

گروه طالبان را بهتر بشناسیم

علی اصغر دریاب

در دهه ۶۰ خورشیدی درکشور پاکستان به یکباره تعداد زیای مدارس علوم دینی تاسیس شد که هزینه ساخت و نگهداری آن ها را دولت وقت عربستان سعودی با اغراض سیاسی پرداخت می کرد این مدارس که به علت استقبال جوانان اهل سنت پاکستانی وبخصوص افغانی روز به روز بر تعدادشان افزوده می شد ظرف چند سال اوج گرفت و به ۱۲۰۰۰ مدرسه علمیه بالغ گردید . گردانندگان این مدارس که ظرفت مدت کوتاهی جمعیت قابل توجهی اطراف خود دیدند احساس قدرت کرده وبرای نشان دادن توان سیاسی خود به فکر افتادند . این افراد درتحلیل های درون گروهی خود به این نتیجه رسیدند که برای دیده

دینی آن ها بشمار می رفت .

تسلط این گروه بر کشورافغانستان هرچند با چراغ سبز قدرت های بزرگ ازجمله آمریکا وانگلیس و نیز عربستان سعودی همراه بود اما اعمال روش های متحرانه وبرخورد نامطلوبی که با مظاهر تمدن ازجمله تلویزیون داشتند و زنان جامعه نیز ازفعالیت های اجتماعی محروم کرده بود ند افکار عمومی را سخت جریحه دار کرد و درهمه جا روش های حکومت داری آن ها محکوم شد .

آمریکا که خودمشوق وپشتیبانی قوی برای این گروه بود و آن ها را برای اهداف خاصی کمک می کرد و حتی داعیه حمله به ایران توسط این گروه را درسر می پروراند با مشاهده تبعات منفی عملکرد آنها و جریحه دار شدن افکار عمومی دنیا درسال ۱۳۸۰ تصمیم گرفت به افغانستان لشکر کشی کرده ورسما خاک این کشوررا اشغال کند .وخود راسا طالبان را قلع و قمع نماید.

ازنظامیان دوره دیده وآشنا با سلاح های پیشرفته بوجود آمد .

این گروه مسلح و قدرتمند درسالهایی که افغانستان تحت اشغال شوروی سابق بود ومجاهدین افغانی درجنگ های پارتیزانی علیه روسها می جنگیدند ، درنقش مجاهدین افغانی وارد جنگ شدند

پس از خروج شوروی و شروع جنگ های داخلی درافغانستان ، طالبان به عنوان یک تشکیلات منسجم سیاسی نظامی قوی و با نفوذ با سایر گروه های جهادی وارد نبرد شد وکم کم توانست جای پای خود را در میان اقوام بخصوص قوم پشتون باز کند.

این گروه افراطی توانستند بتدریج بر سایر گروههای مجاهد غلبه کرده ودرسال ۱۳۷۳ برپیش از سه چهارم کشور افغانستان مسلط شوند و حکومت این کشور را در دست گیرند .رهبر این گروه درآن زمان محمد عمر معروف به ملا عمر بود که ازجمله علمای

مهددویت در کلام مقام معظم رهبری

اینکه پیغمبر میفرماید: **أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي** انتظار الفرج، ناظر به همه‌ی مشکلاتی است که برای زندگی انسان پیش می‌آید؛ مشکلات گوناگونی در زندگی پیش می‌آید، انسان در مواجهه‌ی با این مشکلات نیاستی مایوس بشود؛ باید انتظار فرج داشته باشد؛ باید بداند که فرج خواهد آمد. خود انتظار فرج، یک نوع فرج است.

(بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۹/۱/۲۱)



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: علی اسدزاده
 سردبیر و صفحه‌آرا: صدیقه طاهره اسدزاده
 هیئت تحریریه: محمد بارونی، سجاد زارع، فاطمه اسدزاده، علی‌اکبر فرشته‌حکمت
 آدرس: شیراز- چهارراه گمرک- ساختمان نادر- طبقه دوم- واحد ۲۰۴
 کازرون- شهرسبز را از کتاب فروشی آملی خیابان شهداء جنوبی بگیرید
 شماره تماس: شیراز: ۰۹۱۷۳۳۱۰۳۵۷ و ۳۸۲۲۸۴۴۴ / کازرون: ۰۹۱۷۳۳۱۰۳۵۷
 رایانامه: shahresabz@gmail.com
 Shahr-sabz.ir
 چاپخانه: نشر فرهنگ اهواز

شماره ثبت کتابخانه ملی (ISSN): ۲۰۰۸-۹۰۳۱

سال هجدهم- شماره ۵۳۶

شنبه ۳۰ مردادماه ۱۴۰۰

مصاحبه با علی مسیب زاده، آزاده و جانباز دفاع مقدس به مناسبت ۲۶ مرداد، سالروز بازگشت آزادگان به میهن اسلامی

قسمت اول

شد و با زور سر من را زیرآب کرد، در اینجا نفسم یاری نکرد، نزدیک بود خفه شم تا اینکه با آرنجم از خود دفاع کردم ولی آرنجم به بینی اش اصابت کرد و دماغش شکست و افتاد به خونریزی شدید هردو از آب بیرون آمدیم . سریع نزد فرمانده قرارگاه رفتم. وسیله بی خواستم جهت انتقال او به کرمانشاه، در ابتدا مخالفت کرد اما با اصرار من و وساطت دیگران، اجازه را صادر کرد . به کرمانشاه رفتم، بعد از بیمارستان درکنار پیاده رو داشتیم به ماشین نزدیک می شدیم که آقا کرم ناگهان برادرش را به دید و هردو در آغوش هم قرار گرفتند و پس از ساعتی همراهی با او، آخرین بوسه را در پیشانی برادر نشاند و هردو برگونه هایشان قطرات اشک سرازیر شد . ما که این مفهوم را درک نمی کردیم ولی خداوند از آن بالا شاهد آگاه بود که این برادر چند روز دیگر به خیل شهداء می پیوندد . خدا حافظی کردیم و برگشتیم و آقا کرم آخرین نگاه را به برادرش انداخت. بعد از سه روز آقای سیاوش پور خبر شهادت برادرش را دریافت کرد . بعد از آن آقا کرم به من گفت خدا پدر و مادرت بیامرزد که دماغ ما را شکستی و باعث شدی برادرم را برای آخرین بار ببینم.

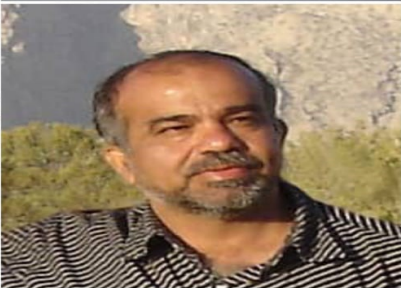
بعداز بازگشت از جبهه سومار، وزارت آموزش و پرورش طی یک فراخوان کلیه معلمین اداره متبوع که متولدين ۳۷ بودند را به خدمت دعوت کرد. من هم به نیروی زمینی رفتم و خود را معرفی کردم. مارا با یک اتوبوس به شهرستان چهارم جهت آموزش انتقال دادند، مدت سه ماه جهت آموزش آن جا بودم. تا این که روز تقسیم فرا رسید، پس از تقسیم همه نیروها، فرمانده به من گفت، شما را در این جا نگه می دارم تا در امور پادگان با ما کمک و مساعدت داشته باشید، همان موقع از رادیو اعلام شد که کلیه متولدين ۳۷ مجددا از خدمت سربازی معاف هستند؛ اما من به صورت داوطلب خودم را داخل گروهای اعزامی به اهواز قالب کردم و روانه اهواز شدم و با هزاربختی خودرا به هنگ ۵۰۷ مستقردر سوسنگرد رساندم . آن جا مارا به خط مقدم بردند و جایگاهمان مشخص شد. در خط مقدم چون کار برای من وجود نداشت مجبور شدم مسئولیت گشتی منطقه را در گردان به عهده بگیرم . یک روز از طریق بی سیم مارا صدا زدند و گفتند یک اکیپ از بچه های ارتش دارند به طرف شما می آیند و شما ضمن توجیه آن ها نسبت به منطقه جهت شناسایی دشمن دراین ماموریت گشت شناسایی با آنها همکاری کنید. من گفتم: جناب فرمانده الان ساعت ده صبح است وقت خوبی برای این کار نیست. اما پشت بیسیم تاکید کردند این یک دستور نظامی است و چرا ندارد. من هم اطاعت کردم. آن روز یعنی۳۱/۱/۱۳۶۱ با نیروه هایی از ارتش به گشت سرنوشت سازی جهت آزادسازی خرمشهر رفتیم، در حالی که از سرنوشت خود خبر نداشتیم. تا این که به خاکریزهای دشمن

معاونت فرهنگی و اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان کازرون: هنگامه کوچ که می رسد همه بار سفر می بندند، هیچ کس تردیدی در رفتن ندارد . شک و دودلی در موسم کوچ بی معناست... سفری پر مخاطره آغاز می شود و مسافران راهی می شوند. تا فصل بازگشت فرارسد، هزاران اتفاق کوچک و بزرگ کوچندگان را درگیر خود می کند . گاه کوچ به ابدیت می رسد و گاه بازگشت درکار است. ۲۶ مرداد سالروز بازگشت پرستوهایی است که در مسیر سلوک به قفس ظلم گرفتار شدند و رنج ها کشیدند تا روز بازگشت را ببینند. در سطور زیر به حال و هوای کوچ پرنده ای عاشق، آزاده سرافراز علی مسیب زاده پرداخته ایم . شاید گم کردگان راه را چراغی باشد . علی مسیب زاده هستم آزاده و جانباز جنگ تحمیلی با ۳۰۴۳ روز اسارت و ۵۰ درصد جانبازی. متولد ۸/۱/۱۳۳۷ در محله آهنگران کازرون. مقطع ابتدایی را در مدرسه شیخ اصغر کوهی گذراندم و دوران راهنمایی در مدرسه داریوش کبیر ادامه دادم و سپس روانه دبیرستان شاپور شدم. از آنجا طی یک آزمون معلمی، به خاطر علاقه زیاد وارد دانشسرای مقدماتی در چهارم شدم و پس ازسپری کردن دوران آموزش، به استخدام آموزش و پرورش کازرون درآمدم . اولین سال خدمتم در منطقه خشت و کمارج بود. حدود یک سال و نیم از خدمتم می گذشت، که شعله جنگ برافروخته شد. به صورت داوطلب با عده ای از بچه ها (شهید سیدنامه، مجید حسن زاده، حمید بهبود، کاظم پدیدار، کرم سیاوش پور، احمد عبادی و...) جهت آموزش وارد پادگان شهید بهشتی کازرون شدیم و بعد از اتمام آموزش روانه پادگان عبدالله مسگر در شیراز شدیم و از آن جا با چند اتوبوس روانه جبهه سومار، این مرحله از جبهه ما سه ماه بطول انجامید که از طرف سپاه پاسداران بود. دراین اعزام دو حادثه مهم برایمان رخ داد که شنیدن آن خالی از لطف نیست:

۱- مسئول ما حاج کاظم پدیدار بود، فاصله خط مقدم و نیروهای ما تا مقر پشت جبهه حدودا ۱۵ کیلومتر بود، حاج کاظم پست های نگهبانی را با افراد آن تایین می کرد، آن روز من با تنی چند از بچه ها جهت استراحت به مقر پشت جبهه رفتم، در برگشت پست نگهبانی بنده را ساعت ۱۰:۳۰ شب تعیین شده بود، وقتی رسیدم از یکی از بچه ها سنگر تیربار را تحویل گرفتم و ایشان جهت استراحت محل را ترک کرد. آن شب حاج کاظم، آقای سیدنامه و مجید حسن زاده و حمید بهبود و تعدادی دیگر جهت شناسایی شبانه روانه سنگرهای عراقی‌ها کرده بود ولی ما را در جریان این شناسایی و ساعت برگشتشان قرار نداده بود؛ ساعت‌های ۲ نیمه شب بود که متوجه شدم عده ای در پایین تپه بطرف بالا در حال حرکت هستند. سرتیربار را با آرامی به طرف آنها گرفتم و نفس هایم را در سینه حبس کردم و ماشه تیربار را تا وسط آوردم و خواستم با گفتن الله و اکبر کار را شروع کنم، دریک لحظه به ذهنم خطور کرد که زود بروم به بچه ها اطلاع بدهم که دشمن تا کنار خاکریزها آمده است، بلا فاصله رفتم سراغ حاج کاظم و گفتم بلند شو که دشمن آمده، حاج کاظم هم که خواب آلود بود گفت : کجا کجا، یه نارنجک بده، من هم ضامن یک نارنجک کشیدم ودر دستان او گذاشتم؛ حاج کاظم هم از جایش بلند شد به طرف سنگر رفت تا از بچه ها دفاع کند، در بین راه به خود آمد، برگشت و گفت بابا این ها نیروهای خودی هستند و من فراموش کردم به شما بگویم و خدا خواست که نارنجک به طرف آنها پرتاب نکردم . بله آنروز دوستانم توسط من شهید نشدند تا عذاب وجدان داشته باشم ولی مدت ها بعد که من اسیر شدم شنیدم که این عزیزان توسط مزدوران عراقی به مهمانی خداوند سبحان نائل آمدند، روحشان شاد و یادشان برای همیشه تاریخ جاودانه باد.

۲- دریکی از روزهای جبهه سومار با آقای کرم سیاوش پور برای استراحت عازم مقر شدیم. کنار مقر، یک رودخانه بزرگی با آب زلال جاری بود که بچه ها درون آن شنا می کردند، وقتی به آن جا رسیدیم من با سیاوش پور پریدیم داخل رودخانه و شنا کردیم، همانطوری که آقای سیاوش پور شوخی می کرد و سربچه ها را زیر آب می کرد، نزدیک من

رسیدیم؛ من که راهنمای آنها بودم و قبلا اینجا آمده بودم، متوجه شدم که تعدادی از سربازان در یک سنگر تانک خواب هستند . با ایما و اشاره ای که قبلا آن ها را توجیه کرده بودم گفتم که دشمن در خواب است نهایت احتیاط و هوشیاری را داشته باشید، هنوز غلامن من تمام نشده بود که یکی از نیرو ها در وسط با صدای بلند فریاد کشید چه می گویی من نمی فهمم ! خدا می داند که از روی جهالت بود یا از روی غرض و چه اهدافی در سر داشت ! خلاصه با فریاد ایشان تمامی عراقی‌ها متوجه شدند . ما را زیر رگبار گرفتند و از طرف دیگر هلیکوپتری هم در آسمان ظاهرشرد و شروع کرد به تیراندازی؛ با سینه خیز مقداری مکانم را تغییر دادم ولی فایده ای نداشت. درهمین موقع اسلحه را به طرف آن ها گرفتم تا شلیک کنم، آنها ایستاده بودند و ما خوابیده، فرصت شلیک یک گلوله هم به دل ماند و در اثر تیراندازی دشمن از ناحیه شکم و دست مجروح شدم، طوری که مقداری از رو هایم بیرون آمد و اسیر شدم. از گروه ما سه نفر اسیرشدند. آن دو نفر که سالم بودند از ما جدا کردند و مرا همم که با همین وضع به ساختمان فرماندهی خود هدایت کردند. و در حالی که زخمی بودم حسابی با کابل و مشت و لگد از من پذیرایی کردند. سپس مرا به خارج از ساختمان بردند و در بین سربازان و افسران مسلحشان روی زمین نشاندند، فکر کردم می خواهند چند دقیقه طرف مرا به آنها نشان دهند یا اعدام کنند . بعد از چند دقیقه طرف مرا به پرتقال با یک قاچو و بشقاب آوردند و مقابل من گذاشتند . یکی از فرمانده های ارشد آن ها به طرفم آمد . با چوب دستی اش به من اشاره کرد که پرتقال را بخورم . من هم که فکر می کردم این پرتقال ها سمی است، یکی دو بار از خوردن امتناع کردم و در پاسخ اصرار او گفتم: مجروح هستم برایم خوب نیست. درهمین حین به دستور همین فرمانده، با کتک یکی از سربازان روبه رو شدم. شروع کردم یک پرتقال را باکندی و وقت کشی پوست کندم تا شاید به قول ضرب المثل از این ستون تا آن ستون فرجه فرجی حاصل شود. با اشاره فرمانده سربازان مقداری عقب رفتند و خودش نزدیک شد و با اشاره گفت: اکل(بخور) منم با ترس و لرز یک قاچ پرتقال خوردم وچشمانم در چشمان این فرمانده عراقی خیره شده بود . فکر می کردم آخرین لحظات حیاتم است. باز با تهدید این آقا یک پرتقال را تمام کردم و منتظر مرگ تدریجی بودم، مجددا یک پرتقال دیگر به من داد و گفت بخور و اسلحه کمربش را به دست گرفت و یک بار دیگر تهدید کرد چنانچه ازخوردن خودداری کنی مغزت را متلاشی می کنم، پرتقال را گرفتم و شروع کردم به خوردن.نصف آن را خوردم و با اشاره گفتم: کافیت دیگر نمی توانم بخورم . در اینجا کلیه سربازان با دستور فرمانده، شروع کردند به پای کوبی و قفسیدن، با دیدن این صحنه پیش خودم گفتم حتما زهر تزریقی کارخود



را کرده، یک لحظه یک آب تلخی از ترس از گلویم خارج شد. در پی این حادثه، شهادتین بر لبانم جاری شد و منتظر مرگ بودم.. افسر عراقی آمد و پشت سرم را گرفت و بلند کرد و گفت به سوالاتم پاسخ درست بده و گرنه در دست من زنده نمی مانی! گفت تو مسلمانی؟ گفتم بله، ادامه داد، خمینی را می شناسی؟ گفتم بله می شناسم رهبر دینی تمام ایرانیان است.

–رهبر تو هم هست و او را قبول داری؟ گفتم: من سرباز هستم و تابع قانون باید قبول داشته باشم.

–شما برای من تاتار بازی میکنی؟ اگر درست جواب ندهی، والله علی العظیم با این اسلحه سرت را سوراخ می کنم، دوباره ادامه داد، خمینی رهبر تو هست یا نه وهرچه بگوید اورا قبول داری؟ (خیلی سخت است که دربین دشمن باشی و در این گفتگوهای خیلی تنگاتنگ بتوانی خودت را نجات دهی، فقط خود را بخدا سپردم و پیش خودگفتم شاید آخر خط باشد چرا با دلت بپریم؟) جواب دادم بله.

– اگر تو خمینی را قبول داری که دروغ می گویی با اصرارمن پرتقال را نمی خوردی که من شما را بکشم؟! با ترس گفتم چرا؟ شروع کرد به اینکه خمینی برای مردم ایران و مسلمین پرتقال را حرام کرده ! خمینی گفته مردم باید با الاغ به مشهد و شهرها سفر کنند و ماشین وسیله شیطان است! خمینی پاسدارهایی تربیت کرده که تجاوزکارند ! خمینی گفته باید به عراق هجوم بریم و قیرامام علی را به ایران برگردانیم و ما هم به خاطر این اعمال خمینی با شما می جنگیم . این جا بود که متوجه تبلیغات وسیع علیه جمهوری اسلامی و امام خمینی(ره) شدم. خدا را شکر کردم که درد دلش را بیان کرد و برای من فرصتی شد تا بیشتر توضیح دهم، گفتم: شما یک افسر فهمیده ای هستی و رشید و دلاور، اگر همان اول این ها را می گفتی، من همه پرتقال‌ها را می خوردم . من ترسیدم شما داخل آن سم کرده باشی و به این دلیل کم تناول کردم . صحبتم را قطع کرد و با عصبانیت تمام گفت: □ کلب این کلب انا مسلم، مو خمینی سگ پدرسگ من مسلمانم، خمینی که نیستم برای یه مسلمان حرام است که این کاربکند. ادامه دادم: من خودم گواهبنامه رانندگی دارم؛ اتفاقا همراهم بود و آن را از من گرفت و این ها تبلیغات دشمنان ما و شماست.

– دشمن ما چه کسی است؟ با هزار بدبختی گفتم آمریکاست، کمی فکر کرد و گفت، صح، یعنی صحیح است، سوال آخری که پرسید این بود که، پاسدارها چگونه انسانی هستند؟ اینجا دیدم آمادگی هدایت شدن دارد، من هم براش منبر رفتم و با شجاعت تمام گفتم: ما سربازها ممکن است نمازمان کم و زیاد بشود ولی پاسدارها نمازشان قضا نمی شود، پاسدارها بیشتر قرآن می خوانند، پاسدارها به ضعیفان کمک می کنند ودرکل مثل یک انسان واقعی خدمت می کنند. دیدم این افسر عراقی یک مجله محلی آورد وبه من نشان داد که بین بما این چیزها را گفتند و آخرین کلامش این بود که من تا حالا ده پاسدار را کشته ام و کارت و یا انگشتر آن ها برای همسرم به عنوان سند افتخار برده ام ولی الان چیز دیگری شنیدم، دقیقه ای با چوب دستی ش درون دست دیگرش می زد و قدم می زد تا اینکه دستور داد من را به بیمارستان بصره انتقال دادند.

ادامه دارد ...

(تهیه و تنظیم مصاحبه: امیرخسرو شجاعی-کارشناس فرهنگی و پژوهشی بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان کازرون: تاریخ مصاحبه: ۲۳/۵/۱۴۰۰: مصاحبه شوند: آزاده و جانباز علی مسیب زاده، بازنشته آموزش و پرورش، عکاس و خبرنگار)